

تحلیل کنش گفتار تعارفات در فارسی، انگلیسی و فرانسه از منظر اجتماعی فرهنگی

صمد میرزاسوزنی (استادیار زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران، نویسنده

مسئول)

smirzasuzani@miau.ac.ir

چکیده

هدف اصلی مقاله پیش رو، واکاوی کنش گفتار تعارفات در فارسی، انگلیسی و فرانسه از منظر اجتماعی فرهنگی است تا به تنویر دیدگاه‌ها نسبت به آئین‌های قراردادی جهان‌شمول فرهنگی و زبان‌شناختی در فارسی، انگلیسی و فرانسه بپردازد و در پی ایجاد ارتباط بین کاربردشناسی اجتماعی زبان و ترجمه باشد. بدین منظور، ۸۷ اصطلاح مربوط به کنش گفتار تعارفات در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه که به ترتیب شامل تعارفات مربوط به احوال‌پرسی (۱۸ اصطلاح) و تعارفات مربوط به مراودات اجتماعی (۶۹ اصطلاح) بودند، مورد مطالعه قرار گرفت و با روش تحلیل گفتار به واکاوی و بررسی آن‌ها از منظر اجتماعی و فرهنگی پرداخته شد. نتایج نشان داد که در فارسی، برخلاف انگلیسی و فرانسه، شرط ادب گوینده اغلب بر نفی یا رد تعارف طرف مقابل قرار می‌گیرد. به علاوه، گویشوران فارسی در گفتار خود متواضع‌تر، غیرصریح‌تر، ایهام‌آمیزتر، مبهم‌تر و پرگوتر از گویشوران انگلیسی و فرانسوی‌اند، به طوری که اغلب بر طبق عادات فرهنگی و اجتماعی خود جواب تعارفات را تا حدودی مبهم باقی گذاشته و از بیان گزاره‌های مستقیم و قطعی اجتناب می‌کنند. از سوی دیگر، تعارفات به‌عنوان بخشی از هنجارهای اجتماعی فرهنگی فرانسه، برخلاف فارسی، فلسفی و طولانی نبوده و در عین حال به صراحت و اختصار تعارفات انگلیسی نیستند و در بسیاری موارد به‌کارگیری کلام تعارف‌آمیز در فرانسه در مقایسه با انگلیسی رسمی‌تر به نظر می‌رسد و در مجموع نامحتمل نیست که چنین تفاوت‌های فرهنگی باعث نوعی برگردان منفی در هر یک از این زبان‌ها گردد. یافته‌های این

مقاله اطلاعات مفیدی را در خصوص مشکلات تلافی فرهنگی در هنگام ترجمه گفتار تعارف‌آمیز فراهم آورده و از ارزش خاصی برای علاقه‌مندان در زمینه ترجمه و حوزه‌های کاربردشناسی زبان برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: تعارفات، مشکلات بین فرهنگی، اجتماعی فرهنگی، عدم تطابق، کنش گفتار

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم زبان‌شناختی که به‌خصوص به شناخت ترجمه کمک می‌کند، تحلیل مقابله‌ای^۱ زبان‌های مبدأ و مقصد است. در این روش، دو زبان در برابر یکدیگر قرار گرفته در سطوح مختلف آوایی، واژگانی یا نحوی و به‌طور کلی دستوری با یکدیگر مورد مقایسه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص می‌شود. نظیر همین مقایسه ممکن است در حوزه معنا که همچون حوزه لفظ از زبانی به زبان دیگر فرق می‌کند، صورت پذیرد. علاوه بر آن، مجموعه‌ای از آیین‌های قراردادی اجتماعی و زبان‌شناختی جهان‌شمول در تمامی فرهنگ‌ها به‌طور مشترک وجود دارد که مستلزم تحلیل توانمندان^۲ کاربردشناسی اجتماعی^۳ زبان‌ها در روند برگردان یک زبان به دیگری است.

توری^۳ (۱۹۸۷) بر این باور است که در فرآیند ترجمه دست‌کم دو زبان و دو گونه عادات فرهنگی ایفای نقش می‌نمایند، لذا مترجم پیوسته با این مسئله روبه‌روست که چگونه باید با جنبه‌های فرهنگی در زبان مبدأ رفتار کرده و مناسب‌ترین فنون را در انتقال و برگردان این جنبه‌ها در زمان مقصد به‌کار گیرد. (۱۹۶۴) نیز دامنه مسائل و مشکلات برگردان از زبان مبدأ به زبان مقصد را بسته به اختلافات زبانی و تفاوت‌های فرهنگی بین دو زبان متغیر می‌داند.

-
1. Contrastive analysis
 2. Sociopragmatic competence
 3. Toury
 4. Nida

از آنجایی که فرهنگ یک زبان دربرگیرنده مجموعه پیچیده‌ای از تجربیاتی است که بر زندگی روزمره افراد اجتماع تأثیر می‌گذارد و می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف از قبیل مسائل تاریخی، ساختار اجتماعی، مذهب، رسوم و سنن، و کاربردهای روزمره باشد، درک و فهم کامل خصوصیات فرهنگی، به‌ویژه در ارتباط با زبان مقصد، بسیار مشکل است؛ مخصوصاً اگر خواننده ترجمه با جنبه‌های فرهنگی در متن ترجمه‌شده و چگونگی فرآیند انتقال عناصر فرهنگی از زبان مبدأ به مقصد آشنایی کافی نداشته باشد. از این رو، مطالعه مسائل بین‌فرهنگی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در خصوص مسائل و مشکلات تلاقی فرهنگی در هنگام ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد یا برعکس فراهم آورد.

۱.۱. اهمیت مطالعه تفاوت‌های بین‌فرهنگی در زبان‌های مبدأ و مقصد

معمولاً هنگام صحبت از خصوصیات فرهنگی یک زبان سه مقوله مختلف در ذهن تداعی می‌شود. نخست، مقوله «فردی» که در آن هر یک از اشخاص جامعه به‌عنوان فردی خاص به اندیشه و عمل می‌پردازد. دوم، مقوله «جمعی» یا «گروهی» که در آن افراد جامعه در یک مضمون اجتماعی به تفکر و تعامل می‌پردازند و سوم، مقوله «معنایی» و «رسایی» که در آن افراد اجتماع به ابراز پیام و بیان کلام خود می‌پردازند (میرزاسوزنی، ۱۳۸۵).

باید دانست مطالعه و بررسی تفاوت‌های فرهنگی موجود در زبان‌های مبدأ و مقصد در روند برگردان مناسب متون از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین ترتیب، پرداختن به تفاوت‌های بین‌فرهنگی در زبان‌های مبدأ و مقصد یکی از مشکل‌ترین جنبه‌های فرآیند ترجمه به‌شمار می‌آید زیرا ویژگی‌های فرهنگی هر زبان و اجتماع غالباً مختص آن جامعه و عادات و سنن اجتماعی موجود در آن جامعه‌اند. از طرف دیگر، برگردان مناسب جنبه‌های فرهنگی از زبان مبدأ به زبان مقصد و برعکس، مستلزم احاطه کامل مترجم به هنجارها و رسوم اجتماعی زبان‌های مبدأ و مقصد است.

در خصوص برگردان جنبه‌های فرهنگی از یک زبان به زبان دیگر نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی مترجمان معتقدند که لازم است تمامی اسامی و مفاهیم ناآشنا در روند برگردان حفظ گردند، به نحوی که خواننده احساس کند مطلبی متعلق به فرهنگی دیگر را می‌خواند. در واقع، این گروه تا حدود زیادی طرفدار بیگانه‌سازی^۱ متن مقصدند. از طرف دیگر، بعضی دیگر بر این باورند که عناصر ناآشنای متن می‌بایست به عناصری آشنا در متن مقصد تبدیل شوند تا «بیگانگی فرهنگی» متن تا حد ممکن از بین رفته خواننده ترجمه خود را در فضایی آشنا و تجربه‌ای ملموس احساس نماید. گروه اخیر در پی بومی‌سازی^۲ عناصر ناآشنای متون مبدأ می‌باشند. دانستن این نکته ضروری است که حفظ و به‌کارگیری تمامی اسامی و مفاهیم ناآشنا در روند برگردان از زبان مبدأ به زبان مقصد نه تنها امری مشکل بلکه در پاره‌ای موارد غیرممکن است. به علاوه، عوامل بسیاری از جمله جنسیت، سن، نقش و موقعیت اجتماعی، و ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی ممکن است روند برگردان جنبه‌های فرهنگی متن مورد نظر را از یک زبان به زبان دیگر با مشکلات متعددی روبه‌رو نمایند.

با در نظر گرفتن موارد اشاره شده نباید از نظر دور داشت که گرچه همواره مجموعه‌ای از آیین‌های قراردادی اجتماعی و زبان‌شناختی جهان‌شمول در تمامی فرهنگ‌ها به‌طور مشترک وجود دارد، تحلیل کاربردشناسی مقابله‌ای دو زبان در روند برگردان یک زبان به زبان دیگر، به‌طور یقین مستلزم سطح بالایی از توانش کاربردشناسی^۳ مترجم است. علت اصلی این امر این است که فرآیند انتقال عناصر فرهنگی^۴ از زبان مبدأ به مقصد و برعکس، همواره از پیچیدگی و اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو می‌توان ادعا کرد که مقایسه بین‌زبانی در سطوح بالاتر از جمله خصوصیات فرهنگی، کاربردشناسی زبان و رسوم و عادات اجتماعی

-
1. Foreignization
 2. Domestication
 3. Pragmatic competence
 4. Cultural elements

گویشوران دارای پیچیدگی‌های زبانی بیشتری شده و باعث می‌شود مترجم را به‌طور جدی به دانش فرازبانی زبان‌های مبدأ و مقصد نیاز داشته باشد.

۱.۲. اهداف

به‌طور کلی تفاوت‌های بیانی میان دو زبان را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

الف. تفاوت‌هایی که در لغات، اصطلاحات و تعبیرات دو زبان وجود دارد و در فرهنگ‌های دوزبانه ضبط شده‌اند. در این مورد، معمولاً مفاهیم و معانی عبارات زبان اصلی تا حدود بسیار زیادی در زبان مقصد روشن است، لذا استفاده از فرهنگ دوزبانه کمک زیادی به یافتن معادل‌های مورد نظر می‌کند.

ب. تفاوت‌هایی که در نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی و برگردان واژه به واژه از عبارت متن مبدأ به‌صورت نامانوس و ناآشنا خود را آشکار می‌سازند. در مورد اخیر، معمولاً برگردان به‌سادگی مورد پیشین نیست و استفاده از فرهنگ دو زبانه نیز کمک چندانی به یافتن معادل نمی‌کند، بلکه مترجم باید به دانش فرازبانی و شم زبانی فرهنگی خود اتکا کند و از خود بپرسد در زبان مادری او چنین مفهومی در چنین موقعیتی به چه نحو ممکن است بیان شود. تفاوت‌های فرازبانی و بین‌فرهنگی معمولاً در گروه اخیر قرار می‌گیرند.

با توجه به وجود تفاوت‌های بین‌زبانی و بین‌فرهنگی در زبان‌های مختلف، تقریباً طبیعی است که در اکثر موارد، فرآیند ترجمه صرفاً محدود به یافتن لغات و واژگان هم‌معنی در زبان مقصد نباشد، بلکه یافتن روش‌های مناسب در انتقال مطالب از وجوب و اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. در واقع، زبان‌های مختلف می‌توانند از اشکال متفاوت زبانی بهره‌جویند ولی نباید فراموش کرد که چنین اشکالی ممکن است تنها یک جنبه از تفاوت‌های بسیار زیاد بین ساختار و نظام زبان‌های مبدأ و مقصد را در بر گیرند.

با توجه به این که به‌کارگیری مناسب تعارفات و کلام تعارف‌آمیز زبانی، به‌عنوان نمونه‌ای از جنبه‌های فرهنگی هر زبان، بخشی از توانش ارتباطی^۱ افراد آن جامعه را تشکیل داده که به طرق مختلفی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است، در مطالعه حاضر، به‌منظور روشن‌شدن بهتر تفاوت‌های فرهنگی در کلام تعارف‌آمیز، اصطلاحات متداول مربوط در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه بررسی مقابله‌ای می‌شوند. از این رو، یکی از اهداف این پژوهش بررسی ترجمه‌کنش گفتار تعارفات به‌عنوان نمونه‌ای از مشکلات بین‌فرهنگی در زبان‌های مختلف است که در آن مترجم ناگزیر از به‌کارگیری روش‌های مناسب برای انتقال مطالب از فرهنگ مبدأ به مقصد است. همین‌طور، نمونه‌هایی از برداشت‌های ناقص و تعبیر نادرست برخی تعارفات که غالباً ریشه در بدفهمی‌های فرهنگی مضمون در هنگام ترجمه از هر یک از این زبان‌ها به زبان دیگر دارند مورد بحث و بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت و در نهایت به تحلیل و واکاوی کنش گفتار تعارفات در این سه زبان از منظر اجتماعی فرهنگی پرداخته خواهد شد. هدف نهایی از تحقیق پیش‌رو آن است که مترجمان بومی فارسی‌زبان به‌خوبی از محدودیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد زبان‌ها آگاه شده تا با افزودن آگاهی خود از اختصاصات فرهنگی زبان‌ها بتوانند آگاهی خود از متن مورد ترجمه را بالا برده، تغییری در طرز تفکر خوانندگان در به‌کارگیری زبان و نیز در فهم و ادراک آنان از جنبه‌های فرهنگی زبان‌های مبدأ و مقصد ایجاد نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. مبانی نظری

در تمامی علوم انسانی از جمله مطالعات ترجمه، مطالعه مقوله‌های فرهنگی همواره به‌عنوان پدیده‌ای عقلانی عظیم از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، به‌طوری که امروزه محققان بیش از پیش به دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در زمینه ارتباط بین زبان و فرهنگ‌های مختلف توجه می‌کنند و از دید بسیاری از آنها رابطه‌ای

1. Communicative competence

ناگسستی بین زبان و فرهنگ وجود دارد. به‌عنوان نمونه، از نظر پورشه^۱ «هر زبانی حامل یک فرهنگ است و این زبان به‌طور همزمان مولد این فرهنگ و محصول این فرهنگ است» (۱۹۹۵، ص. ۳).

هاردویک^۲ پژوهشگر یونان باستان و نویسنده کتاب ترجمه بین‌فرهنگی اظهار می‌کند که عمل ترجمه و اژه‌ها، شامل «ترجمه یا پیوندزدن به فرهنگ گیرنده و چارچوب فرهنگی است که درون آن یک متن قدیمی‌تر تعبیه شده است» (۲۰۰۰، ص. ۲۲). از دید وی، ترجمه ابزاری برای تغییر است که در آن، تأکید دانشجویان امروزی بر تغییر زبان‌های کلاسیک است. به این منظور، مترجم متون باستانی مستلزم آن است که ترجمه‌هایی را خلق کند که فراتر از آگاهی نسبت به یک متن بوده به‌دنبال بیان کردن روشی باشد که قالب فرهنگی را درون یک متن بگنجاند و در این زمینه از استعاره نشاکاری استفاده می‌کند.

نباید فراموش کرد که پرداختن به مقوله‌های فرهنگی به‌هیچ‌وجه صرفاً در مطالعات ترجمه اتفاق نیفتاده، بلکه زبان‌شناسی نیز تحولی فرهنگی را سپری نموده است و همان‌طور که داگلاس رابینسون^۳ (۲۰۰۲) اشاره می‌کند زبان‌شناسی دستخوش تحول فرهنگی شده که آن را از حالت سکون به‌سوی پیشرفت و پویایی رهنمون شده است. رشد و افزایش علاقه به زبان‌شناسی پیکره‌ای که پیش‌قراول آن مونا بیکر^۴ بود نماد دیگری از تحول فرهنگی در زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود.

در سال ۱۹۹۰ تنها پژوهشگران ترجمه نبودند که در مورد مقولات فرهنگی بحث می‌کردند، بلکه حرکت برای گسترش دادن مطالعات ترجمه فراتر از چارچوب مستقلی بود که از مدت‌ها پیش به‌همراه کار گروهی و چند نظامی براساس نظریه‌های زوهار^۵ (۲۰۰۰)، توری (۱۹۷۸) و هولمز^۶ (۱۹۷۸) شروع شده بود. به‌عنوان مثال،

-
1. Porcher
 2. Hardwick
 3. Robinson
 4. Mona Baker
 5. Even-Zohar
 6. Holmes

همان‌طور که مترجمان و پژوهشگران ترجمه در کشورهای آلمان، کانادا، برزیل، فرانسه و هند بازتعریف اهمیت ترجمه را در ژانرهای ادبی^۱ شروع کردند، شجره‌نامه ترجمه را در بافت‌های فرهنگی خود دنبال کرده و مفاهیم ایدئولوژیکی^۲ ترجمه و ارتباطات قدرت^۳ را کشف کردند که از یک بافت یک متن به بافت دیگر انتقال داده می‌شد. مثلاً تئوری نظام‌های چندگانه^۴ در ابتدا به ترجمه ادبی مربوط می‌شد، اما دیگر پژوهشگران ترجمه که آثارشان شامل ترجمه‌های غیرادبی بود روندهای مشابهی را دنبال کردند. همین‌طور، تئوری هدفمندی^۵ که توسط کاتارینا ریس^۶ و هانس ورمیر^۷ گسترش یافت ایجاب می‌کرد که هدف یا کارکرد یک ترجمه، راهکارهای به‌کار برده شده در آن را تبیین و توجیه کند. بنابراین، نقش و کارکرد مورد نظر مترجم در فرهنگ مقصد، وی را قادر می‌ساخت گزینه‌های معین و مشخصی را برگزیند. این موضوع از تئوری‌های ترجمه‌ای که توجهش بر زبان مبدأ بود بسیار فاصله داشت و لذا می‌توان گفت که تحولی فرهنگی^۸ را منعکس می‌کرد. از این‌رو، گنتزler^۹ (۲۰۰۱) در زمینه تحول فرهنگی بر این باور بود که در طول دو دهه گذشته دو دگرگونی و تغییر عمده در پیشرفت نظریه‌ها در ترجمه اتفاق افتاده است: ۱. تغییر از نظریه‌های مبدأگرا^{۱۰} به نظریه‌های مقصدگرا^{۱۱}؛ ۲. تغییری که مستلزم شمول عوامل فرهنگی و عناصر زبان‌شناختی در مدل‌های آموزش ترجمه بوده است.

بنا بر آنچه در بالا اشاره شد پرداختن جدی به مقوله‌های فرهنگی در مطالعات ترجمه می‌تواند به‌عنوان بخشی از دگرگونی فرهنگی محسوب شود که به‌طور کلی در

1. Literary genres
2. Ideological concepts
3. Power relations
4. Polysystem theory
5. Skopos theory
6. Catharina Reiss
7. Hans Vermeer
8. Ccultural turn
9. Gentzler
10. Sourceoriented
11. Target-oriented

اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ اتفاق افتاده است و در پرتو آن تئوری نظام‌های چندگانه ایون زوهار (۲۰۰۰)، زمینه را برای یک تحول فرهنگی مهیا کرده که براساس آن دسته‌هایی از ادبیات که جدیداً در حال رشد و تکامل هستند متن‌های بیشتری را ترجمه می‌کنند و لذا شکل بسیاری از موضوعات سنتی تغییر داده شده است. به‌علاوه، گسترش تحقیق دربارهٔ هنجارهای حاکم بر راهکارها و فنون ترجمه می‌تواند مثال‌های بیشتری را از تحول فرهنگی در مطالعات ترجمه فراهم نماید. در این میان، توری (۱۹۷۸)، چسترمن^۱ (۱۹۹۳) و هرمانز^۲ (۱۹۹۹) به‌ویژه به‌دنبال کشف هنجارهای ترجمه‌ای^۳ نه‌تنها از لحاظ قراردادهای متنی بلکه از لحاظ انتظارات فرهنگی بودند. توری (۱۹۷۸) صراحتاً اهمیت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در ترجمه را به‌صورت زیر شرح می‌دهد:

لازم است اهمیت هنجارهای فرهنگی در انجام فعالیت‌های ترجمه در نظر گرفته شود. ارزش و میزان فعالیت ترجمه در وهلهٔ اول نشان‌دهندهٔ توانایی مترجم در اجرای یک نقش اجتماعی است که در آن یک کارکرد اجتماعی خاص برآورده می‌شود. به‌عبارت دیگر، دست‌اندرکاران و نتایج و پیامدهای اجتماعی متناسب با فعالیت اجتماعی معین و مربوط شناخته می‌شوند. از این‌رو، یادگیری هنجارها برای برخورد شایسته و تدبیر و نحوهٔ به‌کارگیری عوامل تعیین‌کننده پیش‌نیازی برای مترجم در یک مضمون فرهنگی است. (ص. ۸۳)

۲.۲. جنبه‌های تجربی

گالیسون^۴ در مورد زبان و فرهنگ و ارتباط آن‌ها با یکدیگر تصریح می‌کند که زبان به‌عنوان فعالیتی اجتماعی و محصولی اجتماعی تاریخی به‌طور کامل و همه‌جانبه متأثر از فرهنگ است. پیوند تنگاتنگ بین زبان و فرهنگ دوسویه است و وجود هر یک مستلزم وجود دیگری است (۱۹۹۱). از سوی دیگر، درک بار فرهنگی واژه‌ها و

1. Chesterman
2. Hermans
3. Translational norms
4. Galisson

جملات در تعاملات کلامی مستقیماً از یک نظام فرهنگی تعیین کننده برای هر جامعه برگرفته شده است که مردم آن جامعه در مورد یک مفهوم خاص نزد خود دارند. تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مفهوم واحد تعامل کلامی انجام شده و کنش گفتار به‌عنوان کوچکترین بخش گفتاری معرفی شده است. آستین^۱، فیلسوف انگلیسی، نخستین کسی بود که با طرح نظریه کنش گفتاری، انواع کنش گفتار را معرفی و تحلیل نمود و پس از وی، سرل^۲ طبقه‌بندی سه‌گانه آستین از کنش گفتارها را کامل‌تر کرد و طبقه‌بندی جامع‌تری از کنش‌های زبانی را در پنج دسته ارائه نمود.

در ایران نیز تحقیقاتی در حوزه بررسی کنش گفتارهای مختلف کلامی انجام شده است که به‌طور عمده در زمینه فرهنگ‌های انگلیسی و فارسی بوده‌اند. در این تحقیقات، دو رویکرد اصلی وجود دارد؛ یکی رویکرد زبان‌شناسی کاربردی^۳ و دیگری رویکرد جامعه‌شناختی فرهنگی^۴. بررسی کنش گفتار امر^۵ (صفا و قائمی، ۱۳۹۳)، کنش گفتار بیان شدت^۶ (صفا و زمانی، ۱۳۹۱)، کنش گفتار توبه^۷ (شفقی و تمیم‌داری، ۱۳۹۴)، و کنش گفتار معذرت‌خواهی^۸ (افقیری و کاویانی، ۱۳۸۴) تحقیقات انجام شده با تأکید بر زبان‌شناسی کاربردی‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی در زمینه کنش گفتار قسم^۹ (پیش‌قدم و عطاران، ۱۳۹۲)، کنش گفتار دعا^{۱۰} (پیش‌قدم و وحیدنیا، ۱۳۹۴)، و کنش گفتار تعریف و تمجید^{۱۱} (متقی‌طبری و بوزل، ۱۳۹۰) از جمله تحقیقات انجام شده با نگاه جامعه‌شناختی فرهنگی به‌شمار می‌روند. پژوهش حاضر

1. Austin
2. Searle
3. Applied linguistic approach
4. Social cultural approach
5. Order
6. Intensity
7. Repentance
8. Apology
9. Swearing
10. Praying
11. Compliments

نیز تحقیقی با رویکرد جامعه‌شناختی با تأکید بر فرهنگ و مسائل فرهنگی به‌شمار می‌آید.

۳. ابزار و روش پژوهش

در پژوهش حاضر، مجموعاً ۸۷ اصطلاح مربوط به کنش گفتار تعارفات در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه که به‌ترتیب شامل تعارفات مربوط به احوال‌پرسی^۱ (۱۸ اصطلاح) و تعارفات مربوط به مراودات اجتماعی^۲ (۶۹ اصطلاح) بودند مورد مطالعه قرار گرفته و با روش تحلیل گفتار^۳ به واکاوی و بررسی آن‌ها از منظر اجتماعی و فرهنگی پرداخته شد (جدول ۱ و ۲). سپس نمونه‌هایی از عدم تطابق برخی تعارفات آمده که غالباً ریشه در بدفهمی‌های فرهنگی^۴ مضمون در هنگام ترجمه از هر یک از زبان‌ها داشته است.

۴. یافته‌ها

در جدول ۱ اصطلاحات مربوط به کلام تعارف‌آمیز در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه تحت مقوله احوال‌پرسی آمده‌اند.

جدول ۱. اصطلاحات کلام تعارف‌آمیز مربوط به احوال‌پرسی در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه

کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Bonjour / Bon après-midi / Bonsoir <i>Good day / Good afternoon / Good evening</i>	Hello	سلام علیکم <i>Peace be upon you</i>
Comment allez-vous? <i>How do you go?</i>	How are you?	حال شما چطور است؟ -
Je vais bien, merci. <i>I go well, thanks.</i>	Thanks to your kindness I am well	به لطف شما خوبم -

1. Greetings
2. Social interactions
3. Conversation analysis
4. Cultural misunderstandings

ادامه جدول ۱

کنش گفتار تعارف (در فرانسه) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Au revoir / Salut <i>Until meet again /</i> <i>Greetings</i>	Goodbye , Farewell	خدا حافظ (شما) <i>God be your protector</i>
Au revoir / Bonne chance <i>Until meet again / Good luck</i>	Goodbye , Good luck	به سلامت <i>Go in good health</i>
Bonne chance <i>Good luck</i>	Good luck to you	دست علی به همراهت <i>The hand of Ali with you</i>
Adieu <i>To God</i>	Farewell	خدا نگهدار <i>God take care of you</i>
Au revoir / A bientôt <i>Until meet again / Until very soon</i>	I hope to see you	به امید دیدار <i>With the hope of seeing you again</i>
Bonne chance <i>Good luck</i>	Good luck to you	دست حق به همراه <i>May the hand of Justice be with you</i>
Je vous remercie <i>I thank you</i>	Thank you	قربان شما <i>I am ready to be your sacrifice</i>
Oui monsieur <i>Yes sir</i>	Yes sir	بله قربان -
-	-	نوکر <i>I am your obedient servant</i>
-	-	چاکر <i>I am your devoted friend</i>
-	-	مخلص <i>I am your sincere friend</i>
-	-	ارادتمند <i>I am devoted to you</i>
-	-	کوچک شما هستم <i>I am your inferior</i>
Est-ce que vous allez bien? <i>Is it that you go well?</i>	Are you all right?	مزاج مبارک سالم است؟ <i>Your disposition is in perfect health?</i>
Bonne chance <i>Good luck</i>	Good luck	موفق باشید <i>May you be successful</i>

جدول ۱ نشان می‌دهد که با فرض هر یک از زبان‌های فارسی یا فرانسه به‌عنوان زبان مبدأ و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مقصد، در ترجمه تحت‌اللفظی^۱ کلام تعارف‌آمیز از زبان مبدأ (فارسی یا فرانسه) به زبان مقصد (انگلیسی) اثری از رنگ‌وبوی محلی^۲ زبان مبدأ قابل مشاهده است، در حالی که در ترجمه آزاد^۳ ارائه‌شده فوق، اثر ناچیزی از نفوذ فرهنگی زبان(های) مبدأ در زبان مقصد مشاهده گردیده در نتیجه اصطلاحات پیشنهادی واجد اصالت زبانی بیشتری می‌باشند.

نکته مهم دیگری که در اینجا ذکر آن ضروری به‌نظر می‌رسد این است که موقعیت و شرایط مناسبی که در آن یک اصطلاح تعارف‌آمیز می‌تواند جایگزین کلام زبانی دیگری شود ممکن است بدیهی و مسلم نباشد و عواملی از قبیل نقش و موقعیت اجتماعی می‌باید در روند برگردان از یک زبان به زبان دیگر همواره در نظر گرفته شوند. در حقیقت، دانستن اینکه آیا کلام تعارف‌آمیز اصولاً مناسب به‌نظر می‌رسد و چه تدبیر یا راهکار زبانی برای انتقال آن می‌باید به‌کار گرفته شود، قسمتی از توانایی ارتباطی مترجم را در روند برگردان مناسب یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد تشکیل می‌دهد.

در جدول ۲ نمونه‌هایی از کلام تعارف‌آمیز که در هنگام مراودات اجتماعی در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه به‌کار می‌روند آمده است.

جدول ۲. اصطلاحات کلام تعارف‌آمیز مربوط به مراودات اجتماعی در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه

کنش گفتار تعارف (در فرانسه) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Moi <i>Me</i>	Me	بنده <i>Your slave</i>
Vous <i>You</i>	You	جنابعالی -

1. Literal translation
2. Local colour
3. Free translation

ادامه جدول ۲

کنش گفتار تعارف (در فرانسه) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Votre Excellence <i>Your Excellency</i>	Your Excellency	حضر تعالی -
Son Excellence <i>His Excellency</i>	His Excellency	معظم له -
Son Excellence <i>Her Excellency</i>	Her Excellency	معظم لها -
Le susmentionné(e) <i>The above-mentioned</i>	The above-mentioned	مشارالیه <i>To whom we have referred</i>
Prenez-en un peu plus <i>Take of that a little more</i>	Have a bit more	بفرمایید بیشتر بردارید -
Venez chez nous s'il vous plaît <i>Come to our place if it pleases you</i>	Please come to my home	خواهش می‌کنم تشریف بیارید منزل -
-	-	عرض کردن <i>to present, to submit</i>
Présenter ses félicitations <i>To present one's congratulations</i>	To extend congratulations	تبریک عرض کردن -
Présenter ses condoléances <i>To present one's one's condolences</i>	To extend condolences	تسلیمت عرض کردن -
Laissez-moi dire <i>Let me say</i>	Allow me to say	عرض کنم خدمتان -
Permettez-moi de dire <i>Allow me to say</i>	I beg to say	عرض می‌شود که -
Qu'est-ce que je peux dire ? <i>What is it that I can say?</i>	What shall/can I say?	چه عرض کنم -
Venir <i>To come</i>	To come	تشریف آوردن -
Aller <i>To go</i>	To go	تشریف بردن -

ادامه جدول ۲

کنش گفتار تعارف (در فرانسه) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Entrer/ Asseyez-vous/Servez-vous <i>Enter / Sit yourself / Serve yourself</i>	Come in, Sit down, help yourself	بفرمایید -
Pardon ? / Comment ? <i>Forgive / How ?</i>	What did you say?	چه فرمودید؟ -
Je serai à votre disposition <i>I will be at your disposal</i>	-	خدمت می‌رسم - میام خدمتان <i>I will come in your service.</i>
Au revoir <i>To God</i>	Goodbye	مشرف فرمودید <i>You conferred honor upon me</i>
Au revoir <i>To God</i>	Goodbye	مرحمت زیاد - لطفتان زیاد <i>Your kindness is great</i>
Au revoir <i>To God</i>	Goodbye	سایه‌تان کم نشود <i>May your shadow never grow less</i>
Faites-nous l'honneur de venir nous voir <i>Give us the honor of coming to see us</i>	Would you honor us with a visit?	سرافراز بفرمایید <i>Give me the honor</i>
visite Rendre <i>Give visit</i>	To visit	زیارت کردن <i>To make a pilgrimage</i>
J aimerais visiter votre Excellence <i>I'd love to visit your Excellency</i>	I wish to visit your Excellency	مایلم جنابعالی را زیارت کنم -
J aimerais vous voir <i>I'd love to see you</i>	I wish to visit you	میل دارم شما را زیارت کنم -
Comme vous voulez <i>As you want</i>	Suit yourself, As you wish	هر طور میل شماست -
Vous nous avez manqué	We missed you	جایتان خالی/سبز بود <i>Your place was empty/green</i>

ادامه جدول ۲

کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Bon retour Good return	Happy arrival, Welcome back	رسیدن بخیر -
Bon voyage Good travel	Have a good journey	سفر بخیر Pleasant journey
Il y avait longtemps qu'on ne s'est pas vu It was a long time that we hadn't seen each other	Where have you been?	پیداتان نیست -
-	Little happiness for me	کم‌سعادت‌ی بنده است I have little happiness
-	-	زیر سایه‌تان I am under your shadow
Vous êtes très gentil You are very kind	You are very kind	لطف دارید You have kindness
Je vous en prie I beg you for that	You are in a position to...	اختیار دارید You have complete authority
Puis-je? / m'est-il permis? Can I? / Is it allowed for me?	May I...?	اجازه می‌فرمائید؟ - با اجازه Do you give permission?
S'il vous plait If it pleases you	Please	بی‌زحمت Without trouble
Je vous demande pardon I ask for your forgiveness	Excuse me	معذرت می‌خواهم -
Il n'y a pas de quoi (remercier) There is nothing (to thank for)	Don't mention it	اختیار دارید - چه زحمتی What trouble
Merci Thanks	Thank you	زحمت کشیدید You took pains
Vous me comblez You fill me (with joy)	You embarrassed me	شرمنده شدم I am put to shame
-	May I leave?	زحمت را کم کنیم I should lessen your troubles

ادامه جدول ۲

کنش گفتار تعارف (در فرانسه) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
J'ai beaucoup bavardé <i>I've chattered so much</i>	I caused you trouble	سرتان را درد آوردم <i>I gave you a headache</i>
Merci (beaucoup) <i>Thanks (a lot)</i>	Thank you	دست شما درد نکند <i>May your hand not hurt (ache)</i>
Je vous en prie / De rien <i>I beg you for that / Of nothing</i>	You are welcome, Don't mention it	سر شما درد نکند <i>May your head not hurt (ache)</i>
Vous désirez? <i>You desire?</i>	What can I do for you?	چه فرمایشی دارید؟ <i>What command do you have?</i>
Quelque chose d'autre? <i>Something else?</i>	Is there anything else?	فرمایش دیگری ندارید؟ <i>Don't you have another command?</i>
Je n'ai plus rien à dire <i>I have no more to say</i>	-	عرضی ندارم <i>I have no other humble request</i>
Oui monsieur / Oui madame <i>Yes sir / Yes ma'am</i>	Yes, sir	چشم - به چشم <i>With my eyes</i>
Oui monsieur / Oui madame <i>Yes sir / Yes ma'am</i>	Yes, sir	قدم بر چشم <i>Walk on my eyes</i>
Je vous ai dérangé <i>I have disturbed you</i>	I caused you inconvenience	اسباب زحمتتان شدم -
-	Hard working	خدا قوت بده <i>God give you strength</i>
-	-	خسته نباشید <i>Don't be tired</i>
Merci à vous <i>Thank to you</i>	Thank you	سلامت باشید <i>Be healthy</i>
S'il plaît à Dieu <i>If it pleases God</i>	God willing	انشاء... <i>May it please God</i>

ادامه جدول ۲

کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی	معادل آزاد در انگلیسی	کنش گفتار تعارف (در فارسی) و معادل تحت‌اللفظی در انگلیسی
Servez-vous <i>Serve yourself</i>	Help yourself, Come on	بسم ا... <i>In the name of God</i>
Très bien / Bravo <i>Very good / well done</i>	Very good, Well done	ماشا ا... <i>What wonders God has wrought</i>
Bravo <i>Bravo</i>	Well done	بارک ا... <i>Blessed be the Lord</i>
Félicitation <i>Congratulations</i>	Congratulations	مبارک باشد <i>May it be blessed</i>
Merci beaucoup <i>Thanks a lot</i>	Thank you	خدا برکت بده <i>God bless you</i>
Merci beaucoup <i>Thanks a lot</i>	Thank you	خدا عمرت بده <i>God give you a long life</i>
Bon rétablissement <i>Good recovery</i>	Get well	خدا شفای بده <i>God cure</i>
Bravo <i>Bravo</i>	Well done	زنده باد <i>Long live</i>
Priez pour moi <i>Pray for me</i>	Pray for me	التماس دعا -
Vous pouvez le garder <i>You can keep it</i>	You may have it	پیشکش <i>A gift for you</i>
Il n'y a pas de quoi (remercier) <i>There is nothing (to thank for)</i>	Don't mention it	قابلی ندارد <i>It's a humble gift</i>
-	-	خوبی از خودتان است <i>Its goodness comes only from you</i>
-	-	چشم ما روشن <i>Our eyes be bright</i>
Comment ? / Pardon ? <i>How? / Forgive?</i>	What did you say, dear?	جانم؟ - جان؟ -

جدول ۲ نشان می‌دهد که با فرض هر یک از زبان‌های فارسی و یا فرانسه به‌عنوان زبان مبدأ و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مقصد، در روند برگردان کلام تعارف‌آمیز از زبان مبدأ به زبان مقصد لزوماً نسبت یک به یک وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، در طی فرآیند ترجمه ممکن است مترجم به اصطلاحاتی در زبان مبدأ برخورد کند که در زبان مقصد معادل خاصی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. همین‌طور، نظیر مواردی که در جدول پیشین اشاره شد در ترجمه تحت‌اللفظی کلام تعارف‌آمیز از زبان مبدأ (فارسی و یا فرانسه) به زبان مقصد (انگلیسی) اثری از رنگ‌وبوی محلی زبان مبدأ قابل مشاهده است، در حالی که در ترجمه آزاد فوق اثر ناچیزی از نفوذ فرهنگی زبان مبدأ مشاهده شده، در نتیجه معادل‌های ارائه‌شده اخیر واجد اصالت زبانی بیشتری می‌باشند.

نکته مهم دیگر توجه به بار معنایی^۱ معادل ارائه‌شده در هر اصطلاح است. به‌عنوان نمونه، در به‌کارگیری اصطلاح *vous Excellence* در عبارت تعارف‌آمیز فرانسوی *J'aimerais visiter votre Excellence* تشابه صوری و معنایی آن به اصطلاح *your Excellency* در معادل انگلیسی‌اش (*I wish to visit your Excellency*) کاملاً مشهود است. به عبارت دیگر، در حالی که معادل «جناب‌عالی» در فارسی می‌تواند اشاره (احترام‌آمیز) به شخص مخاطب عام داشته باشد، اصطلاح *vous Excellence* در فرانسه و *your Excellency* در انگلیسی معمولاً به‌صورت بسیار محدودتر و صرفاً برای مخاطب قرار دادن پادشاه یا ملکه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌همین ترتیب، اصطلاح تعارف‌آمیز فرانسوی *Vous me comblez* که در انگلیسی به‌معنای *You fill me (with joy)* است تا حدود زیادی بر مفهوم تحت‌اللفظی عبارت تعارف‌آمیز «شرمنده شدن» در زبان فارسی اشاره می‌کند که بر سپاسگزاری و قدردانی دلالت دارد.

1. Connotation

۵. بحث

تحلیل مقابله‌ای کلام تعارف‌آمیز در فارسی، انگلیسی و فرانسه نشان می‌دهد که گویشوران فارسی در هنگام تعارف صراحت کلام کمتری نسبت به گویشوران انگلیسی و فرانسه دارند و چنین ویژگی زبانی ممکن است از طریق فرآیند ترجمه وارد زبان مقصد مترجمان یا زبان‌آموزان فارسی زبان گردد. به‌علاوه، همان‌طوری که از برخی مثال‌های ارائه‌شده در معادل‌های تحت‌اللفظی بر می‌آید میزان و کثرت اصطلاحات مربوط به کلام تعارف‌آمیز در موقعیت‌های مختلف در میان گویشوران فارسی، انگلیسی و فرانسه کاملاً متفاوت است. برای مثال، به‌جای اصطلاحات پرکاربردی چون «خسته نباشید»، «خدا قوت» و «زیر سایه‌تان» در زبان فارسی، نمی‌توان معادل دقیق و مناسبی در انگلیسی یا فرانسه یافت و اصرار در ارائه معادل در زبان مقصد برای چنین اصطلاحاتی ممکن است برای مخاطبان مقصد زبان نتیجه‌ای جز ابهام معنایی و ایجاد سرگردانی نداشته باشد. همین‌طور، گویشوران انگلیسی و فرانسوی زبان، برخلاف فارسی‌زبانان، به‌ندرت از اصطلاح «قابلی ندارد» در پاسخ به موقعیتی که در آن بر شیئی قیمتی اشاره می‌شود، استفاده می‌کنند.

به‌همین ترتیب، تعارفاتی که فارسی‌زبانان در پاسخ به دعوت به صرف خوراک یا نوشیدنی می‌نمایند (مثلاً «خیلی ممنون»، «دست شما درد نکند»، «قربان شما»، «شرمند می‌کنید») ممکن است به‌دلیل عدم شفافیت و وضوح کافی از دید گویشوران انگلیسی و فرانسوی زبان، ناآشنا به نظر رسند، زیرا آنان در چنین شرایطی در مقایسه با فارسی‌زبانان در هنگام پاسخ به تعارفات قاطعیت کلام و وضوح بیشتری را در سخنان خود ابراز می‌نمایند. مثلاً انگلیسی‌زبانان در پاسخ به دعوت شخص مقابل برای صرف قهوه می‌گویند «بله لطفاً» (Yes, please) یا «خیر، متشکرم» (No, thanks).

در بسیاری موارد پاسخ فارسی‌زبانان در هنگام تعارفات اجتماعی رسمی‌تر از نظیر آن در مورد گویشوران انگلیسی و فرانسوی‌زبان است و این ویژگی زبانی، پاسخ فارسی‌زبانان را به سبک کلامی خاصی از قبیل کاربرد استدلال کلامی یا تعبیرات و

ضرب المثل‌های زبانی سوق می‌دهد. برای مثال، به‌منظور تسکین شخص مخاطب در زمان شکستن یک ظرف یا بلور در حالی که انگلیسی‌زبانان از اصطلاحاتی چون *Don't worry* و *I know it was an accident* استفاده می‌کنند، گویشوران فارسی به ذکر تعبیراتی چون «رفع قضا و بلاست» و «انسان جایز الخطاست» می‌پردازند که خود به‌لحاظ سبکی بسیار رسمی و فلسفی‌تر در مقایسه با اصطلاحات انگلیسی به‌نظر می‌رسند.

یک مثال دیگر، کاربرد اصطلاح فارسی «سرفراز بفرمایید» و معادل تحت‌اللفظی آن در انگلیسی (*Would you honor us with a visit?*) و فرانسه (*Faites-nous l'honneur de venir nous voir*) است. در حالی که استفاده از چنین اصطلاحی در فارسی بسیار متداول است، اصطلاح معادل آن در فرهنگ فرانسوی کاربرد بسیار رسمی دارد و از سوی دیگر در بریتانیا به‌ندرت در محافلی به‌جز مضمون سلطنتی و یا در میان نجیب‌زادگان به‌کار می‌رود.

در مجموع، بررسی گفتار تعارف‌آمیز که نمونه‌هایی از آن در بالا اشاره شد، مؤید این مطلب است که در فارسی، برخلاف انگلیسی و فرانسه، شرط ادب گوینده اغلب بر نفی یا رد تعارف طرف مقابل قرار می‌گیرد. به‌علاوه، گویشوران فارسی در گفتار خویش متواضع‌تر، ایهام‌آمیزتر، مبهم‌تر و پرگوتر از گویندگان انگلیسی و فرانسوی زبان می‌باشند، به‌طوری‌که در اغلب موارد بر طبق عادات فرهنگی و اجتماعی خود جواب تعارفات را تا حدودی مبهم باقی گذاشته از بیان گزاره‌های مستقیم و قطعی اجتناب می‌نمایند. از سوی دیگر، تعارفات به‌عنوان بخشی از هنجارهای اجتماعی فرهنگی زبان فرانسه، برخلاف فارسی چندان فلسفی و طولانی نبوده و در عین حال به‌صراحت و اختصار تعارفات در انگلیسی نیستند و در بسیاری موارد به‌کارگیری کلام تعارف‌آمیز در فرانسه در مقایسه با آن در انگلیسی رسمی‌تر به‌نظر می‌رسد. یک مثال روشن در این زمینه به‌کارگیری اصطلاحات مختلف فرانسوی در اوقات مختلف روز از جمله *Bonjour*، *Bon après-midi* و *Bonsoir* به‌جای *Hello* در انگلیسی است که البته معادل‌های تحت‌اللفظی آن‌ها *Good day*، *Good*

Good evening و afternoon در موقعیت‌های رسمی‌تر در جوامع انگلیسی‌زبان مورد استفاده واقع می‌شوند.

یکی از راهکارهای غیرمستقیم که توسط فارسی‌زبانان زیاد استفاده می‌شود «ارائه دلیل»، «عذرخواهی» و «شرح و بیان» است که در انگلیسی و فرانسه کمتر به کار گرفته می‌شود. از طرف دیگر، انگلیسی‌زبانان از راهکار پذیرش ظاهری برای رد و انکار یک امر استفاده می‌نمایند، و این در حالی است که گویشوران فرانسه‌زبان از توسل به انتخاب واژگان رسمی‌تر از اصطلاحات انگلیسی بهره می‌جویند. در مجموع، گویشوران بومی انگلیسی‌زبان نسبت به گویشوران فارسی‌زبان بیشتر ترجیح می‌دهند به تعارفات پاسخ صریح‌تر و مستقیم‌تر بدهند. از سوی دیگر، گرچه به‌کارگیری تعارفات در میان گویشوران فرانسوی‌زبان به اندازه اطلاع کلام، پیچیدگی و فلسفی بودن آنان در فارسی نیست، این کنش‌گفتارها از صراحت و سادگی کمتری نسبت به تعارفات در زبان انگلیسی برخوردار بوده و از این نظر فرانسه‌زبانان به انتخاب واژگان رسمی‌تر از اصطلاحات انگلیسی گرایش می‌ورزند.

در زمینه چگونگی به‌کارگیری راهکارهای ادب در کلام تعارف‌آمیز نیز می‌توان به تفاوت‌ها در میان سه زبان فوق اشاره کرد. برای مثال، به‌کارگیری عبارتی نظیر I wonder if I could در انگلیسی می‌تواند راهکاری برای طرح مؤدبانه درخواست تلقی شود که در زبان‌های دیگر همین تأثیر را با به‌کارگیری واژگان یا اصطلاحاتی با درجه رسمیت متفاوت ایجاد می‌گردد. برای نمونه، در زبان فرانسه به‌جای واژه Please در انگلیسی، معمولاً از عبارت S'il vous plaît که طولانی‌تر و رسمی‌تر است استفاده می‌شود که برگردان آن در انگلیسی به صورت if it pleases you است. نکته جالب توجه در اینجا این است که برگردان اخیر، تشابه جالبی با عبارت نظیر آن در انگلیسی یعنی if you please دارد که اصطلاحی است که در عین قدمت، در موارد فوق العاده رسمی به‌کار برده می‌شود.

نمونه دیگری از ملاحظه راهکارهای ادب در کلام تعارف‌آمیز فرانسوی در هنگام تقاضا و درخواست، گرایش به استفاده از ساختار وجه مجهول به‌جای وجه معلوم

است که در کل محتاطانه و مودبانه‌تر به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال، در حالی که در موقعیت مشابه در انگلیسی از عبارت *May I?* استفاده می‌شود، فرانسوی‌زبانان با به‌کارگیری عباراتی چون *M est-il permis? (Is it allowed for me?)* از رسمیت کلام بالاتری بهره می‌جویند.

علاوه بر موارد فوق، موارد بسیاری از به‌کارگیری واژگان و عبارات در زبان فرانسه وجود دارد که گویشوران این زبان به‌صورت روزمره مورد استفاده قرار می‌دهند. در بسیاری موارد، چنین عباراتی جایگاه خود را بدون از دست دادن رسمیت خود در انگلیسی نیز پیدا کرده‌اند، به‌طوری که با نگاهی گذرا به عبارات عامیانه و رسمی حاضر در زبان انگلیسی امروزی می‌توان متوجه شد که با افزایش میزان رسمیت یک واژه یا عبارت در این زبان، احتمال فرانسوی بودن منشأ و اصل آن به‌نحو چشمگیری افزایش می‌یابد.

در مجموع، براساس آنچه از موارد فوق‌الذکر بر می‌آید می‌توان گفت که در حالی که تفاوت‌های بین کنش گفتارهای انگلیسی و فرانسه به‌طور عمده مربوط به سبک زبانی‌اند، تفاوت‌ها در زبان فارسی نسبت به آن دو زبان دیگر به‌نحو قابل‌ملاحظه‌ای ریشه در فرهنگ فارسی دارد که همواره با ویژگی‌هایی چون عدم صراحت و پرگویی همراه است.

۶. نتیجه‌گیری

نیومارک (۱۹۸۸) بر این باور است که فرهنگ جامعه تجلی زندگی افراد آن بوده که منحصر به افراد همان جامعه است. به‌عبارت دیگر، فرهنگ بیان زبان خاص افراد یک جامعه می‌ماند که به وسیله آن افراد جامعه خود را بیان می‌کنند. به عقیده نیومارک، زبان جزئی از مختصات فرهنگی جامعه محسوب نمی‌شود. بر خلاف نیومارک، ورمیر^۱ (۱۹۸۹) اعتقاد دارد زبان جزئی از فرهنگ است و معتقد است دیدگاه نیومارک در واقع فرآیند ترجمه را ناممکن می‌سازد و باید در روند برگردان

1. Vermeer

زبان مبدأ به شکل مناسبی از زبان مقصد دست یافت که در این میان نقش مترجم به عنوان رابط بین دو فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، نایدا (۱۹۶۴) اهمیت یکسانی به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در زبان‌های مبدأ و مقصد داده نتیجه می‌گیرد که تفاوت‌های بین فرهنگ‌ها ممکن است پیچیدگی‌های جدی‌تری را در مقایسه با تفاوت‌های ساختاری زبانی ایجاد نمایند.

علی‌رغم اختلاف نظرها در اینکه زبان بخشی از فرهنگ محسوب می‌شود یا خیر، زبان و فرهنگ به عنوان عواملی جدایی‌ناپذیر به نظر می‌رسند و از آنجایی که امروزه یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات ترجمه سوق دادن ترجمه‌آموزان و مترجمان به سوی تغییر و تحولاتی است که به‌طور فزاینده‌ای پشتیبان تحقیق و پژوهش در مطالعات ترجمه باشند، یکی از این موارد، می‌تواند شامل دگرگونی و تغییر از رویکرد صورت‌گرا در ترجمه به رویکردی متفاوت باشد که در آن تأکید بیشتر بر عوامل فرامتنی است. سؤالاتی که قبلاً در زمینه فرآیند ترجمه پرسیده می‌شدند به‌گونه‌ای بودند که چگونه ترجمه می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد، ولی در دنیای کنونی نوع سؤالاتی که در مورد ترجمه پرسیده می‌شوند مدام در حال تغییر بوده به‌طوری‌که کارشناسان مطالعات ترجمه نیاز به بازتعریف اهداف ترجمه را به‌خوبی احساس نموده‌اند. به عبارت دیگر، مطالعات ترجمه نسبت به وضعیت پیشین خود تغییر کرده و مستلزم آن است که کانون توجه بر روی موضوعات وسیع‌تری از بافت فرهنگ و سنت قرار گیرد، نه این‌که تنها کانون توجه بر روی وفاداری در ترجمه باشد یا این‌که مثلاً واژه معادل در ترجمه ممکن است چه معنایی داشته باشد.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین اهداف امر ترجمه ایجاد ارتباط بین فرهنگ‌های مختلف در نیل به تفاهم بیشتر میان انسان‌ها و جهانی است که در آن زندگی می‌نمایند، لذا آشنایی مترجم با جنبه‌های فرهنگی زبان‌های مبدأ و مقصد تأثیر بسزایی در برگردان موفق متون خواهد داشت. به‌علاوه، مترجم آشنا با دو زبان و دو فرهنگ در مقایسه با مترجم تک‌زبان و آشنا با یک فرهنگ در موقعیتی مناسب‌تر در یافتن پاسخ به سؤالاتی از قبیل ارتباط عوامل زبانی با عوامل فرازبانی و فرهنگی

است. در حقیقت، از طریق مطالعه و اشراف بر جنبه‌های فرهنگی و فرازبانی متن مورد ترجمه نه تنها ممکن است نشان داده شود که ساخت صوری^۱ و معنایی^۲ بین زبان‌ها همیشه و مطلقاً یکسان نیست، بلکه مطالعه مسائل فرازبانی^۳ و بین فرهنگی^۴ خود می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در خصوص مسائل و مشکلات تلاقی فرهنگی در هنگام ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد یا بر عکس فراهم آورد و بنابراین از ارزش و اهمیت خاصی برای علاقه‌مندان هم در زمینه ترجمه و جنبه‌های فرهنگی و هم در زمینه آموزش و کاربردشناسی زبان برخوردار گردد.

به طور کلی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات تفاوت‌های فرهنگی از قبیل کلام تعارف‌آمیز در زبان‌هایی چون فارسی، انگلیسی، و فرانسه روشن نمودن دیدگاه‌ها برای فهم بهتر آیین‌های قراردادی جهان‌شمول فرهنگی و زبان‌شناختی در این زبان‌ها و در پی، آن ایجاد ارتباط بین حوزه کاربردشناسی اجتماعی زبان و حوزه ترجمه است. یکی دیگر از مزایای مهم مواجهه با مشکلاتی از قبیل تفاوت‌های فرهنگی در ترجمه این است که مترجم به‌خوبی از محدودیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد زبان‌ها آگاه می‌گردد و با افزودن آگاهی خویش از اختصاصات فرهنگی زبان‌ها می‌تواند آگاهی در میان خواننده ترجمه را بالا برده تغییری در طرز تفکر عموم در به‌کارگیری زبان و نیز در فهم و ادراک آنان از جنبه‌های فرهنگی زبان‌های مبدأ و مقصد ایجاد نماید. از این‌رو، علی‌رغم مشترکات زیاد زبان‌ها در مرتبه ژرف‌ساختی و همین‌طور خصوصیات مشترک بسیار در میان زبان‌ها که همواره به‌دلیل همگانی‌های زبانی وجود دارد، تحلیل تقابلی زبان در حوزه‌های لفظ و معنا می‌تواند به مترجم کمک کند تا ضمن اجتناب از انتقال یا برگردان منفی در روند ترجمه از زبان مادری (مبدأ) به زبان مقصد خلأهای موجود میان زبان‌ها را نسبت به یکدیگر مشخص نماید. با تشخیص خلأهای موجود در زبان‌ها و نیز با داشتن شم زبانی خاص مترجم

1. Formal structure
2. Semantic structure
3. Extralinguistic
4. Cross-cultural

می‌تواند از سرگردانی و اغتشاش فکری احتراز نموده، از زبان ترجمه‌ای پرهیز نماید و در روند برگردان یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد به ترجمه‌ای روان و طبیعی دست یابد و در نهایت همان اثری را که خواننده متن اصلی دریافت می‌کند به خواننده ترجمه منتقل نماید.

البته نباید فراموش شود که هنوز هم عقاید ناسازگاری مبنی بر آن‌که ترجمه در وهله اول در مورد زبان و نه فرهنگ است و تأکید مطالعات ترجمه باید معطوف جنبه‌های زبان‌شناختی روند ترجمه گردد، وجود دارد. در پاسخ به این نظر باید گفت که البته پژوهشگران ترجمه باید بر زبان تمرکز کنند، زیرا با همه این تفاسیر ترجمه مستلزم انتقال متن از یک زبان به زبان دیگر است. اما اگر زبان را از فرهنگ جدا کنیم همانند همان بحث قدیمی است که کدام یک اول به وجود آمد، مرغ یا تخم مرغ؟ در حقیقت، ترجمه مربوط به زبان است اما ترجمه می‌تواند در مورد فرهنگ هم باشد؛ زیرا این دو جدایی‌ناپذیرند و علاوه بر آن، زبان به نحوی در فرهنگ گنجانده شده است که کنش‌های زبان‌شناخت در بافت روی داده و متون در یک پیوستار و نه در خلأ ایجاد می‌شوند و می‌توان گفت همان‌طور که نویسنده محصول زمان و بافت مشخص است، مترجم محصول بافت دیگری است. در واقع، نکته جالب توجه آن است که ترجمه در راستای محوری افقی رخ نمی‌دهد، بلکه در فرآیندهای تغییر و دگرگونی فرهنگی نهفته بوده و در تعاملات نیرومند و پیچیده‌ای درگیر شده است، به نحوی که به‌عنوان بازنوشته‌ای از متن اصلی و واسطه بین فرهنگ‌ها همواره نقشی اساسی را در شکل‌دهی نظام‌های ادبی ایفا می‌نماید.

در مجموع، واکاوی مقوله‌های اجتماعی فرهنگی در مطالعات ترجمه نتیجه اجتناب‌ناپذیر نیاز بیشتر به ارتقای آگاهی‌های بین فرهنگی در دنیای امروزی است. بنابراین، پرداختن به موضوعات فرهنگی می‌بایست مورد توجه و اقبال جدی جوامع واقع شود؛ زیرا بهترین فرصت را در زمینه فهم پیچیدگی‌های انتقال متنی و همچنین چگونگی ورود متون به بافت‌های جدید و نیز تغییرات سریع الگوهای تعامل فرهنگی را در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، فراهم می‌آورد. همچنین، ترجمه موقعیت

آزمایشگاهی آرمانی‌ای را برای مطالعه تعامل فرهنگی در جوامع مختلف فراهم می‌نماید؛ زیرا مطالعه اصل و متن ترجمه شده نه تنها تدابیر به‌کار رفته توسط مترجمان را در زمان‌های مشخص نشان می‌دهد بلکه وضعیت‌های مختلف متون مبدأ و مقصد را در چندین نظام ادبی آشکار خواهد کرد و در نهایت اینکه، ترجمه ارتباط بین نظام‌های اجتماعی فرهنگی را که متون در میان آن‌ها گنجانده شده‌اند، آشکار می‌سازد.

کتابنامه

- افقری، ا.، و کاویانی، و. (۱۳۸۴). بیان عذرخواهی در زبان فارسی به‌عنوان یک کنش زبانی. *زبان‌شناسی کاربردی*، ۸(۲)، ۱-۲۸.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۲). معرفی زبانهنگ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۵(۴)، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۲). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۶(۴)، ۲۵-۵۰.
- پیش‌قدم، ر.، و وحیدنیا، ف. (۱۳۹۴). کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز. *جستارهای زبانی*، ۶(۲۸)، ۵۳-۷۲.
- شفقی، م.، و تمیم‌داری، ا. (۱۳۹۴). بررسی مشخصه‌های کنش گفتاری معذرت‌خواهی با مخاطب خداوند «توبه» در زبان‌های فارسی و روسی. *جستارهای زبانی*، ۲۶(۲)، ۲۸۵-۳۰۴.
- صفا، پ.، و زمانی، م. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای «باهم‌آبی‌ها» در کنش زبانی بیان شدت در فرانسه و فارسی. *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۱)، ۱۲۳-۱۴۱.
- صفا، پ.، و قائمی، س. (۱۳۹۳). بررسی کنش بیانی امر در دو زبان فرانسه و فارسی. *زبان‌پژوهی*، ۶(۱۱)، ۱۲۰-۱۳۴.
- متقی‌طبری، ش.، و بوزل، ل. (۱۳۹۰). بررسی مقابله‌ای پاسخ به تعریف و تمجید توسط ایرانیان و استرالیایی‌ها: تأثیر قرار گرفتن در معرض فرهنگ جامعه کلامی جدید. *تحقیقات کاربردی در زبان انگلیسی*، ۱، ۲۱-۴۲.
- میرزاسوزنی، ص. (۱۳۸۵). بررسی مقابله‌ای کلام تعارف‌آمیز در فارسی و انگلیسی، *مطالعات ترجمه*، ۴(۱۳)، ۴۱-۵۴.

- Chesterman, A. (1993). From 'is' to 'ought': Laws, norms and strategies in translation studies. *Target*, 5(1), 1-20.
- Even-Zohar, I. (2000). The position of translated literature within the literary polysystem. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 192-197). London: Routledge.
- Galisson, R. (1991). *De la langue à la culture par les mots*. Paris: CLE International.
- Gentzler, E. (2001). *Contemporary translation theories*. London: Routledge.
- Hardwick, L. (2000). *Translating words, translating cultures*. London: Duckworth.
- Hermans, T. (1999). *Translation in systems: Descriptive translation and system-oriented approaches explained*. Manchester: St Jerome.
- Holmes, J. (1978). Describing literary translations: Models and methods. In J. Holmes, J. Lambert, & R. Van den Broeck (Eds.), *Literature and translation: New perspectives in literary studies* (pp. 69-82). Leuven: Acco.
- Mirza Suzani, S., & Armiun, N. (2011). *A CDA approach to the cross-cultural aspects of compliments in Persian, English, and French*. Paper presented in the TELLSI9 Conference, Ilam University, Ilam, Iran.
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. London: Prentice Hall International.
- Nida, E. (1964). Principles of correspondence. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 126-140). London: Routledge.
- Porcher, L. (1995). *Français comme langue étrangère*. Paris: Hachette.
- Robinson, D. (2002). *Performative linguistics: Speaking and translating as doing things with words*. London: Routledge.
- Toury, G. (1995). The nature and role of norms in translation. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 189-211). London: Routledge.
- Vermeer, H. (1989). Scopes and commission in translational activity. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 221-232). London: Routledge.